



Future Study of Mojahedin-e Khalq Organization's Terrorism Against Iran: Future Scenarios

Neda Parsa¹ | Shohre Pirani² | Ali Morshedizad³

Abstract

The Mojahedin-e Khalq Organization, as an organization with a political nature, military structure, and terrorist and subversive activities, has always been considered one of the main priorities in the system of national security threats to the Islamic Republic of Iran. Therefore, a multi-level and comprehensive understanding of this organization and providing a clear picture of its future is so important. Therefore, this article, by utilizing the library collection method of information and also applying the causal layer analysis (CLA) futures research method, which is a tool with a descriptive-analytical approach and was presented by Soheil Enayatollah, seeks to discover the causal layers of the Mojahedin-e Khalq Organization in the dimensions of "litany", "social causes", "discourse/worldview", "metaphor/myth" and then, by counting the key drivers and uncertainties related to them, presents possible, probable and desirable futures research scenarios based on the aforementioned levels. In this way, it provides the basis for effective and methodical counter-policymaking against the Mojahedin-e Khalq terrorist organization.

Keywords: Mojahedin-e Khalq Organization, Terrorism, Futures Research, Causal Layer Analysis Method, Scenario Writing.

1. PhD student of Political science and Islamic Revolution Studies, Department of Political Science, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran. EmailAddress: neda.parsa@shahed.ac.ir
2. Corresponding Author: Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran. EmailAddress: Sh.pirani@shahed.ac.ir
3. Associate Professor, Department of Political Science, Faculty of Governance, Shahed University, Tehran, Iran. EmailAddress: Morshedizad@shahed.ac.ir

DOR: 0000000000000





عنوان مقاله

آینده پژوهی تروریسم سازمان مجاهدین خلق علیه ایران: سناریوهای پیش رو

نداپارسا^۱ | شهره پیرانی^۲ | علی مرشدی زاد^۳

چکیده

سازمان مجاهدین خلق به عنوان سازمانی با ماهیت سیاسی، ساختار نظامی و عملکرد تروریستی و برانداز، همواره به عنوان یکی از اولویت‌های اصلی در منظومه تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب شده است. از این رو شناخت چند سطحی و همه جانبه از این سازمان و ارائه تصویری روشن از آینده‌ی آن، از ضرورت و اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. لذا این مقاله با بهره‌گیری از روش گردآوری کتابخانه‌ای اطلاعات و نیز کاربست روش آینده‌پژوهی تحلیل لایه‌های علی (CLA) که از ابزارهای با رویکرد توصیفی-تحلیلی بوده و توسط سهیل عنایت‌الله ارائه شده است، به دنبال کشف سطوح علی سازمان مجاهدین خلق در ابعاد «ایتنایی»، «علل اجتماعی»، «گفتمان/جهان بینی»، «استعاره/اسطوره» و سپس با احصاء پیشران‌های کلیدی و عدم قطعیت‌های مربوط به آنها، به ارائه‌ی سناریوهای آینده‌پژوهانه‌ی ممکن، محتمل و مطلوب بر مبنای سطوح مزبور می‌باشد. تا از این رهگذر زمینه‌ی سیاست‌گذاری مقابله‌ای مؤثر و روشمند را علیه سازمان تروریستی مجاهدین خلق فراهم سازد.

کلیدواژه‌ها: سازمان مجاهدین خلق؛ تروریسم، آینده‌پژوهی، روش تحلیل لایه‌های علی، سناریونویسی.

دوره

سال

فصل سال

صص: ۱۱-۰۰۰

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۰/۰۰

شاپا چاپی: ۲۵۳۸-۱۸۵۷
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۵۰



۱. دانشجوی دکتری، مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

E-mail: neda.parsa@shahed.ac.ir

۲. دانشیار گروه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

E-mail: Sh.pirani@shahed.ac.ir

۳. دانشیار گروه مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده حکمرانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

E-mail: Morshedizad@shahed.ac.ir

DOR: 0000000000000



© نویسندگان

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع)

این مقاله تحت لایسنس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.

مقدمه و بیان مسئله

بی تردید یکی از مهم‌ترین مسائل جهان کنونی که همه وجوه زندگی انسان در حوزه‌های مختلف اعم از اقتصاد، سیاست، فرهنگ، اجتماع، محیط زیست و... را با تهدید روبرو ساخته، و امنیت دولت‌ها، روابط بین‌الملل و در مجموع صلح و امنیت بشری را در معرض خطر قرار داده، پدیده‌ی شوم تروریسم^۱ است. این پدیده که از گذشته‌های دور با حاکمیت‌ها و دولت‌ها همراه بوده و ابزار پیشبرد اهداف عاملین آن بوده است، امروزه نیز همچون انقلاب، جنگ، کودتا، شورش و... زندگی سیاسی در سطوح مختلف را به چالش می‌کشد و از این رو، بدیهی است که در آینده نیز با زندگی بشری عجین بوده (Hajiani, 2014: 38) و از اساسی‌ترین مسائل جامعه‌ی جهانی شناخته می‌شود. این پدیده همواره از جمله موضوعاتی بوده است که امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران را مورد تهدید قرار داده، و همواره آسیبی دوگانه را بدان تحمیل نموده است. به تعبیر روشن‌تر، از سویی خود مصداق بارزی از قربانی تروریسم است و از سوی دیگر، همواره از سوی دول غربی متهم به حمایت و گسترش تروریسم می‌باشد.

آنچه در مواجهه با گروه‌های تروریستی مهم می‌نماید، شناسایی دقیق و آینده‌پژوهی عملکرد این گروه‌ها علیه امنیت ملی ایران می‌باشد؛ امری که با مرور پژوهش‌های صورت گرفته به خلا آن رهنمون می‌شویم. در میان گروه‌های تروریستی شناخته‌شده علیه جمهوری اسلامی ایران سازمان مجاهدین خلق - که سابقه‌ی ارتکاب بیشترین فعالیت‌های تروریستی در ایران را دارد - از اهمیت بسیاری برخوردار است. از این رو، هدف از پژوهش حاضر آن است که با اتخاذ رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی و رهیافتی آینده‌پژوهانه، و نیز تبیین و تحلیل در منظومه‌ی امنیتی جمهوری اسلامی ایران، نسبت به ارائه‌ی تصویری روشن‌تر از آینده‌ی این سازمان و به تبع آن رفع این خلا پژوهشی نموده، و از طریق تبیین علی این سازمان و ارائه‌ی سناریوهای آینده‌پژوهانه، در تسهیل و ارتقای کارآمدی و اثربخشی فرآیندهای مقابله‌ای با این سازمان، مؤثر واقع شود.

1 - Terrorism.

مبانی نظری

با توجه به سؤال پژوهش و رویکرد آینده پژوهانه‌ی آن، مبانی نظری قابل تأمل و توجه پژوهش به صورت ذیل قابل احصاء است.

-آینده پژوهی^۱:

با نگاهی به کلید واژه‌ی «آینده پژوهی» می‌توان دریافت که هدف از آن نوعی «پیش‌بینی آینده» است. دانشی که می‌توان از آن برای برنامه‌ریزی‌های بزرگ اقتصادی، اجتماعی و سیاسی استفاده کرد. بدین معنا، آینده پژوهی دانش و معرفت شکل بخشیدن به آینده، به شیوه‌ای آگاهانه، عاملانه و پیش‌دستانه است. این دانش به انسان می‌آموزد که چگونه می‌توان آینده‌ای مطلوب را برای خود، سازمان و یا جامعه ترسیم کرد (Maleki-Far, 2006: 19). یکی از کارکردهای اصلی علم آینده پژوهی، پیمایش محیط، رصد و دیده‌بانی تحولات و پیش‌نگری و اعلام هشدار به سازمان‌ها و نظام‌های سیاسی به جهت جلوگیری از غافلگیری آنهاست. صدور هشدارهای لازم به درک و پیش‌نگری تهدیدات آینده می‌تواند خود بخشی از فرایند حل مسائل آنها باشد تا نظام سیاست‌گذاری بتواند با فراغ بال و آسودگی خاطر، سازوکارهای لازم برای مقابله و مواجهه با این تهدیدات را در دستور کار خود قرار دهد (Nikounhad and Buyuk, 2023: 53).

1 - Futures studies.

-تروریسم:

می توان گفت یکی از سیاسی ترین واژه ها در جهان که هر دولت، فرد و یا موسسه متناسب با رویکرد سیاسی و جهان بینی اش آن را تعریف کرده است واژه تروریسم است. در حقیقت تعاریفی که از تروریسم و ابعاد آن ارائه شده بیش از آنکه منطبق بر عینیت گرایی و پذیرش دوگانگی ارزش/واقعیت باشد، برگرفته از ساخته های گفتمانی و تبلیغی است (Tavakoli, 2012: 79). تا بدانجا که ایان مک لین^۱، گردآورنده فرهنگ لغت علوم سیاسی آکسفورد در بخش تعریف تروریسم آورده است. «تروریسم اصطلاحی است که بر سر آن توافقی میان حکومت ها یا تحلیل-گران دانشگاهی وجود ندارد؛ اما تقریباً به شیوه های گوناگون به تعبیری منفی بکار می رود تا غالباً اقدامات گروهی فرادولتی خودساخته با انگیزه سیاسی علیه جان افراد را توصیف کند» (McLean, 2016: 808).

با این وجود نگارنده ی مقاله پس از بررسی و تدقیق در تعاریف مختلف ارائه شده پیرامون کلان مفهوم «تروریسم»، تعریف ذیل را با بهره گیری از عناصر اصلی تعاریف مزبور تحت عنوان تعریف مبنا در این نگاشته در نظر می گیرد. بر این مبنا تروریسم (Terrorism)، عبارت است از:

«استفاده یا تهدید به استفاده از خشونت توسط افراد یا گروه ها در مقابل افراد غیر مبارز، به منظور فراگیر کردن هراس در جامعه، با هدف دستیابی به اهداف اجتماعی و سیاسی. تروریسم بر اساس معیارهای مختلف به انواع گوناگونی طبقه بندی شده است؛ از جمله این طبقه بندی ها، شناسایی انواع تروریسم بر اساس «بازیگران»^۲ (دولتی، غیر دولتی)، «اهداف»^۳ (تجزیه طلب، مذهبی، سیاسی-اجتماعی)، «مقیاس عملکرد»^۴ (داخلی، بین المللی، جهانی) و «روش های مورد استفاده»^۵ (روش های متعارف، روش های غیرمتعارف) می باشد».

1 - Ian.McLean.

2 - Actors.

3 - Goals.

3- Performance scale.

4- Methods.

-سازمان مجاهدین خلق: «سازمان مجاهدین خلق» مشهور به «سازمان منافقین»، سازمانی با ماهیت سیاسی، ساختار نظامی و عملکرد تروریستی است که در شهریور سال ۱۳۴۴ برای مبارزه‌ی مسلحانه علیه حکومت پهلوی تشکیل گردید. بعد از اعلام «بیانیه تغییر مواضع ایدئولوژیک» توسط تقی شهرام در سال ۱۳۵۴، شکافی عظیم در میان اعضای سازمان مجاهدین ایجاد شد. اکثریت مجاهدین به مارکسیسم رو آوردند و اقلیتی از آنها تحت عنوان مجاهدین مسلمان به اصول مذهبی پافشاری کردند. ساواک در طی مدت زمان کوتاه پس از انشعاب توانست تعداد زیادی از افراد و گروه‌های پراکنده مارکسیست و مذهبی وابسته به سازمان مجاهدین را به تدریج شناسایی و از بین ببرد؛ به طوری که از اواسط سال ۱۳۵۵ دیگر عملاً سازمانی وجود نداشت. در ماه‌های آذر و دی ماه سال ۵۷ (حدود سه ماه پیش از پیروزی انقلاب) کادرهای زندانی سازمان از زندان آزاد و با پیروزی انقلاب تلاش کردند تا مجدداً سازمان خود را احیا کنند.

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی بخشی از رهبران سازمان کوشیدند با حفظ مواضع ایدئولوژیک قبلی و به قول خودشان وفاداری به آرمان‌ها و مرام بنیان‌گذاران سازمان فعالیت خود را ادامه دهند. این گروه تحت رهبری مسعود رجوی که خود را وارث و ادامه دهنده‌ی راه بنیان‌گذاران مجاهدین می‌دانست به بازسازی خود پرداخت (Fawzi, 2007: 89-90).

عملکرد سازمان پس از انقلاب اسلامی را می‌توان به سه مقطع تقسیم‌بندی کرد: در مرحله‌ی اول، سازمان تلاش نمود جایگاه خود را تثبیت ساخته و خود را بعنوان جایگزین رهبران سیاسی در حاکمیت مطرح سازد. در مرحله‌ی دوم تلاش این سازمان بر آن بود که با ائتلاف با بنی‌صدر و تقویت تضادهای درون حاکمیت به اهداف خود برسد. این سازمان، در نهایت با وارد شدن به فاز مسلحانه، مرحله‌ی سوم از حیات سیاسی خود را آغاز کرد (Ibid: 91).

پس از شکست مجاهدین در فاز مسلحانه، رهبر سازمان برای سازماندهی مجدد به همراه رئیس جمهور مخلوع به پاریس فرار کرد. از این مقطع سازمان مجاهدین خلق اقدام به سازماندهی مجدد هسته‌های داخلی و عملیات‌های تروریستی نمود که بر اثر آنان بسیاری از غیر نظامیان مردم عادی به شهادت رسیدند. در همین برهه، سازمان با تصور اینکه صدام با حمایت دول شرقی و غربی نظام حاکم بر ایران را ساقط خواهد کرد، پس از خروج از ایران، به خاک کشور خود خیانتی آشکار نموده و در کنار عراق به صورت علنی بر روی مردم ایران اسلحه کشیده و به عنوان نیروی صدام حسین علیه کشور خود وارد جنگ شد. در این راستا سازمان به تأسیس یک پادگان وسیع در شمال بغداد، در استان دیاله و ایجاد «ارتش به اصطلاح آزادی‌بخش» در سی‌ام خرداد ۱۳۶۶ اقدام نمود. این پادگان که قرارگاه اشرف نامیده شد، به مرکز اصلی استقرار سازمان تبدیل گردید.

طی اشغال عراق توسط نیروهای ائتلاف از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۷ این گروه، پس از خلع سلاح، توسط آمریکایی‌ها حفاظت می‌شد. گرچه کارکرد شاخه‌ی نظامی گروه تا سال ۱۳۸۱ نسبت به سال‌های دهه‌ی شصت کاهش پیدا کرده و در حد اعزام گاه و بیگاه تیم‌های ترور و انجام برخی اقدامات ایذایی بود، اما پس از اخراج آنان از عراق، کارکرد اصلی آنان در جاسوسی، فروش اخبار و اطلاعات به دولت‌های متخاصم و لابی‌گری علیه جمهوری اسلامی ایران نمایان شد. سازمان تلاش بسیاری نمود تا بتواند برای پراکنده نمودن بیش از ۲۷۰۰ تن از اعضای گروه در کشورهای مختلف، اعضای خود را بصورت متمرکز در یک کشور اسکان دهد. لیکن آمریکا بعنوان حامی اصلی سازمان، آلبانی را بعنوان مقصد بعدی این گروه تروریستی مشخص نمود. از این رو، انتقال همه اعضای گروه به آلبانی از اواخر سال ۱۳۹۱ آغاز شد.

مناقضین که تا سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ شمسی در لیست سیاه تروریستی اتحادیه اروپا و امریکا بودند، قدرت چندانی در خارج از خاک عراق نداشته و نمی‌توانستند با دولت‌های غربی ارتباط آشکاری برای لابی‌گری داشته باشند. از این رو، در سال ۱۳۹۲، به منظور نزدیک شدن به کشورهای اروپایی و ادغام در گفتمان غالب دنیای لیبرال، مریم رجوی طرح ده‌ماده‌ای خود را که بر مسائلی نظیر جدایی دین از سیاست، حقوق بشر، دادخواهی برای زندانیان سیاسی دهه ۶۰ و ایران غیراتمی تأکید داشت ارائه کرد. این طرح ضمن جلب نظر و رضایت غربی‌ها از سازمان مجاهدین خلق، دست غربی‌ها را برای حمایت از مناقضین بازتر می‌کرد (Mohammad Hosseini, 2023: 123).

ورود به اروپا، فرصت مناسبی برای مناقضین به منظور دیدار با سیاستمداران و حضور در رسانه‌ها و نشریات غربی فراهم نمود. همچنین، مناقضین کارزارهای متعددی برای فشار بر سیاستمداران ایرانی برگزار کردند^۱. به طوری که نمایندگان ایران در اغلب کشورهای اروپایی با اعتراض‌های اعضای این گروهک روبه‌روی هتل‌ها، سفارتخانه‌ها و محل‌های دیدار سیاستمداران ایرانی و اروپایی مواجه می‌شدند.

۱ - سازمان مجاهدین خلق یکی از مهم‌ترین کارزارها را برای کشته‌های دهه ۶۰ به راه انداخته و از این طریق، فشارهای حقوقی بر جمهوری اسلامی ایران را افزایش دادند.

هم زمان با اروپا، در امریکا هم برخی از رخدادهای به نفع سازمان تمام شد. در دوره ریاست جمهوری اول ترامپ، سازمان مجاهدین دارای ارزشمندی برای بالا بردن تنش و درگیری بین ایران و عربستان محسوب می‌شد؛ چرا که در سال‌های پس از سقوط صدام، کشور عربستان بوده است که تأمین مالی گروهک را به عهده داشته است. این تأمین مالی که در سال ۱۳۹۵ و با حضور شاهزاده ترکی الفیصل، رویه آشکاری به خود گرفت، در حدی بود که این گروهک نه تنها توانست هزینه‌های جاری اعضای خود، شبکه تلویزیونی‌اش، سیمای آزادی و لابی‌گری خود را پردازد که حتی توانست مقادیر زیادی زمین به املاک خود در آلبانی بین سال‌های ۱۳۹۶ تا پایان ۱۳۹۹، بیفزاید (Analytical News Society of Alef, 2022: 1). همچنین، منافقین از همان ابتدای افشاگری‌های خود علیه برنامه هسته‌ای ایران تاکنون، روابط اطلاعاتی خود با موساد را گسترش داده‌اند. مریم رجوی، رئیس‌جمهور ادعایی این گروهک در توئیتر بسیار فعال است. در عین حال، وی مصاحبه‌های متعددی با برخی از نشریات مطرح بین‌المللی داشته است. برای مثال، تنها در سال ۱۳۹۹ وی با واشنگتن‌تایمز ۱ و فاکس نیوز ۲ و العربیه مصاحبه اختصاصی داشت. علاوه بر این، در همایش‌های سالانه منافقین در پاریس و بعدتر و از سال ۲۰۱۹ به بعد در آلبانی تلاش زیادی برای گرد هم آوردن سیاستمداران مختلف دارد. با این همه، مشخص است که گروهک برای قانع کردن این افراد در شرکت در همایش‌های خود، پول‌های کلانی هزینه می‌کند (Mohammad Hosseini, Ibid.: 117–126).

از سوی دیگر و پس از خلع سلاح، سازمان نه تنها هیچگاه انحلال شاخه‌ی نظامی خود موسوم به ارتش آزادیبخش را اعلام ننمود، بلکه حتی با استقرار در اروپا نیز کماکان بر سازماندهی مجدد نیروهای خود در داخل کشور براساس مکانیزم‌ها و ساختار ارتش آزادی‌بخش مورد ادعای خود و در قالب کانون‌های شورشی اقدام نمود. این امر در وجهی بر تعلق سرشتی و جدایی‌ناپذیر مشی تروریستی، خشونت‌گرا و نظامی نزد سران گروه و اعضای آن دلالت دارد.

1 - The Washington Times.

2 - Fox News.

اما در سال‌های اخیر، سازمان تمام توان خود را در زمینه جمع‌آوری اطلاعات از داخل کشور، موج‌سواری از بحران‌های داخلی و جذب، آموزش، هدایت و بکارگیری افراد مختلف در داخل کشور که اغلب از اقشار درگیر آسیب‌های اقتصادی شدید، معضلات اجتماعی- فرهنگی و... در کنار فعال نمودن عناصر سابقه‌دار سازمان برای پیشبرد اهداف خود در ایران در عرصه‌های تبلیغاتی، ایذایی و تروریستی، متمرکز نموده است. اوج تجلی این امر از سوی این سازمان را می‌توان در جریان اعتراضات و اغتشاشات‌های رخ داده در دی‌ماه ۱۳۹۶، آبان ۱۳۹۸ و پاییز ۱۴۰۱ قابل مشاهده نمود.

پیشینه پژوهش

با بررسی منابع موجود در موضوع سازمان مجاهدین خلق، می‌توان بیان داشت که این آثار یا با اتکا بر تحولات و اقدامات سازمان در بستر تاریخ، بویژه معطوف به وقایع پس از انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷، فارغ از کاربردی رویکردی تحلیلی تنها بر وجوه تاریخی مسأله بسنده نموده‌اند. از جمله این منابع می‌توان به موارد ۱ تا ۵ جدول ذیل اشاره نمود.

سنخ دیگری از منابع، تلاش نموده‌اند تا با گذر از تحولات و جریان‌ات تاریخی، رویکردی تحلیلی و علت‌شناسانه را در ارتباط با اقدامات سازمان مجاهدین خلق - بویژه در تقابل با جمهوری اسلامی ایران - مبنای پژوهش و فرآورده‌ی مطالعاتی خود قرار دهند. نکته‌ای که در ارتباط با این سنخ از منابع به صورت ویژه قابل بیان است این است که تحلیل‌های ارائه شده در آن‌ها غالباً وجوهی محدود و خاص را در ارتباط با تاریخچه و عملکرد این سازمان در بر گرفته و در پی اثبات فرضیه یا گزاره‌ی ادعایی خود پیرامون سازمان می‌باشند (موارد ۶ تا ۸).

جدول ۱. سوابق پژوهشی مرتبط با سازمان مجاهدین خلق

ردیف	نگارنده‌ی اثر	عنوان اثر
۱	صفاءالدین تبرانیان	خوابگردها: ارتباط رهبران "سازمان مجاهدین خلق" با نهادهای اطلاعاتی و نظامی عراق ۱۳۵۸-۱۳۸۱
۲	مؤسسه فرهنگی	انقلاب اسلامی، احزاب و گروه‌ها: سازمان مجاهدین

قدر ولایت	خلق (منافقین)	
۳	وحید خطاب	مروری بر تاریخچه و تفکرات سازمان مجاهدین خلق (مجموعه‌ی آنچه گذشت جلد اول)
۴	گروه نویسندگان	سازمان مجاهدین خلق: پیدایی تا فرجام (۱۳۸۴-۱۳۴۴)
۵	محمد حسن روزی طلب و محمد محبوبی	عملیات مهندسی
۶	سید حجت سید اسماعیلی	خداوند اشرف از ظهور تا سقوط (نگاهی مستند و تاریخی به روند فرقه‌گرایی در سازمان مجاهدین خلق)
۷	علی اشرف نظری و رضا نظرپور	تحلیل تقابل آنتاگونیستی سازمان مجاهدین خلق و جمهوری اسلامی ایران
۸	یحیی فوزی	استراتژی و عملکرد سازمان مجاهدین خلق در برخورد با جمهوری اسلامی

در قیاس با آثار نگارش یافته در باب موضوع سازمان مجاهدین خلق، بهره‌گیری از روش تحلیل لایه‌های علی، در کنار کاربست نگاه آینده‌پژوهانه و ارائه‌ی سناریوهای مختلف پیرامون سازمان مجاهدین خلق را می‌توان از مهم‌ترین و برجسته‌ترین وجوه نوآورانه و بدیع نگارش حاضر برشمرد که در دیگر منابع و متون علمی موجود بی‌سابقه می‌باشد.

روش‌شناسی پژوهش

روش در پژوهش حاضر، با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای، ضمن کاربست رویکرد مطالعاتی آینده‌پژوهانه، روش تحلیل محتوای کیفی بر مبنای الگوی CLA (تحلیل لایه‌های علی)، و در پی آن، روش سناریونویسی مورد بهره‌برداری قرار گرفته است. روش تحلیل لایه‌های علی که ابزاری بسیار کاربردی به منظور ساخت‌شکنی از پدیده‌های اجتماعی و رسیدن به درکی عمیق از لایه‌های زیرین مسائل و مشکلات اجتماعی می‌باشد، موجبات بازشناسی و تدقیق در سازمان مجاهدین خلق و درک عمیق لایه‌های زیرین آن را فراهم می‌آورد. از این رو پس از آشکارشدن لایه‌های علی این سازمان تروریستی، زمینه‌ی لازم برای ارائه‌ی سناریوهای پیش‌روی آن و چگونگی فعالیت

گروه مزبور در منظومه‌ی امنیتی جمهوری اسلامی ایران (شامل سناریوهای ممکن، باورپذیر، محتمل و مطلوب) فراهم آمده، و موجبات سیاستگذاری‌های داهیان‌ه و خلق آینده‌های بدیل را به وجود می‌آورد.

روش تحلیل لایه‌های علی:

تحلیل لایه‌های علی^۱ (CLA) - که در قالب عناوین بدیلی چون: تحلیل لایه‌لایه‌ی علت‌ها، تحلیل لایه‌ای علی و ... نیز شناخته می‌شود - به عنوان جدیدترین روش آینده‌پژوهی، روشی است که تمامی دیدگاه‌های دیگر را معتبر شناخته و سعی در به‌کارگیری آنها دارد. این روش برای نخستین بار توسط سهیل عنایت ا... در سال ۱۹۹۸ میلادی در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل لایه‌های علی: فراساختارگرایی به مثابه روش»^۳ در مجله‌ی فیوچرز مطرح کرد (خسروی و میرعمادی، ۱۳۹۸: ۱۰۴). عنایت ا... در کتاب خود بنام «پرسش از آینده»^۴ در توضیح روش تحلیل لایه‌های علی، چنین بیان داشت که، «این روش، روش و نظریه‌ی تحقیقاتی‌ای است که به عنوان یک نظریه به دنبال ترکیب و یکپارچه‌سازی دیدگاه‌های تجربی، تعبیری، انتقادی و یادگیری حین عمل است» (Inayatullah, 2004: 11-15).

سطوح تحلیل در روش تحلیل لایه‌ای علت‌ها:

مطابق با روش تحلیل لایه‌ای علی، طیفی از لایه‌های عینی و ذهنی تشکیل دهنده‌ی موضوع مورد مطالعه، مورد کنکاش و توجه قرار می‌گیرد که به شرح ذیل می‌باشد:

۱- سطح لیتانی^۵: این لایه سطحی‌ترین لایه بوده و معرف دیدگاه رسمی و پذیرفته شده از واقعیت است. سطح نخست دیدگاه بدون پرسش و معمول واقعیت است (عنایت ا...، ۱۳۸۸: ۹). این لایه شامل مسائل عینی که ناظرترین و آشکارترین سطح مورد مطالعاتی

- 1 - Causal Layered Analysis.
- 2 - Sohail Inayatullah.
- 3 - Causal Layered Analysis: Post structuralism as method.
- 4 - Questioning the Future.
- 5 - Litany.

است و فهم آن نیاز به مهارت‌های تحلیلی خاصی ندارد، می‌گردد (Hosseini Moghaddam, 2011: 176-177).

۲- سطح علل اجتماعی؛ این سطح معرف دیدگاه سیستمیک است. در این سطح داده‌های سطح لیتانی توضیح داده شده و مورد سؤال قرار می‌گیرند. در این لایه تلاش می‌شود داده‌های کمی بر حسب همبستگی متغیرها، رابطه علیت، به کارگیری یک نظریه خاص و نقد سایر نظریات تفسیر شوند.

۳- سطح گفتمان/جهان بینی ۲: در این سطح فرض‌های استدلالی، که بر بستر جهان‌بینی‌ها و ایدئولوژی‌ها قرار داشته و ناخودآگاه هستند و آکاو می‌گردند. در این سطح می‌توان به اکتشاف این امر پرداخت که چگونه ذی‌نفعان مختلف، لیتانی و نظام را می‌سازند (Enayatollah, Ibid.: 9). در این لایه تلاش آینده‌پژوه ناظر بر شناخت ساختارهای فرهنگی، زبانی و اجتماعی هستی‌بخش آینده است.

۴- سطح استعاره/اسطوره ۳: این لایه ناظر بر افسانه‌ها/استعاره‌های است که به شیوه‌ای ناخودآگاه، به شکل‌گیری جهان‌بینی و گفتمان مسلطی که به وجود آورنده‌ی علت‌های اجتماعی و مسأله‌ی عینی شده است، کمک می‌کنند. (Hosseini Moghaddam, 2011: 176-177). این سطح در واقع معرف ابعاد انگیزشی ناخودآگاه موضوع است.

به تعبیر عنایت ...، «تحلیل لایه‌های علی در پی آشکار و پررنگ‌تر کردن آینده در چهاربعد است.» (Inayatullaah, 2008: 12). این روش هیچ یک از سطوح را انکار نمی‌کند اما از همه آنها استفاده می‌نماید (Puglisi, 2001: 460).

سناریو نویسی ۴: روش سناریو بعنوان یکی از روش‌های مطرح در آینده پژوهی فرایندی نظام یافته است که به کشف و بررسی عدم قطعیت در نگاه به آینده‌ی بلند مدت می‌پردازد. این روش در بردارنده‌ی مجموعه‌ای از توصیف‌های جایگزین از آینده است که به علل گوناگون و بنا بر تفاوت‌های موجود در حوزه‌های دانشی و فناورانه و نیز انتظارات متفاوت صاحبان منافع و کاربران

-
- 1 - Systemic.
 - 2 - Worldview.
 - 3 - Myth/Metaphor.
 - 4 - Scenario Writing.

با یکدیگر تفاوت‌های بنیادین دارند (Hejazi, 2008: 2). سناریوها تصاویر بدیل از آینده‌های محتمل هستند، که تردیدهای مهم را روشن کرده و فضایی از ممکن‌ها ایجاد می‌کنند که در آن کارایی سیاست‌ها و تصمیمات در برابر چالش‌های موجود آینده در بوت‌های آزمایش قرار می‌گیرند (Mobini and Omid, 2021: 88-89).

یافته‌های پژوهش

سازماندهی و تشکیلات سازمان مجاهدین خلق:

تحلیل سازمان از شکست نهضت‌های گذشته در ایران این بود که آن‌ها فاقد سازماندهی مناسب بوده‌اند؛ و از آنجا که مبارزه یک علم است، پس مبارز حرفه‌ای نیز لازم دارد و این مبارز حرفه‌ای در صورتی موفق است که در یک تشکیلات انقلابی، منسجم و پولادین قرار گیرد. بنیان‌گذاران سازمان وجود تشکیلات را برای یک مبارزه مکتبی اصل دانسته و رعایت اصولی را در این تشکیلات لازم تشخیص داده بودند این اصول لازم رعایه که توسط بنیان‌گذاران تحت عنوان اصول حاکم بر تشکیلات انقلابی ترسیم شده بود عبارت بودند از: مرکزیت دموکراتیک، انتقاد و انتقاد از خود، انضباط آهنین، رهبری جمعی، ضرورت وجود انقلابیون حرفه‌ای و اعتماد برادرانه (Rastgoo, 2005: 64).

در بُعد تشکیلاتی سازمان از اصل کمونیستی موسوم به «سانترالیسم دموکراتیک» به معنای «مرکزیت دموکراتیک» پیروی می‌کرد و بر طبق این اصل همه‌ی اعضای سازمان باید بدون چون و چرا از دستورها و خط‌مشی رهبری سازمان اطاعت می‌کردند. در واقع، در این نوع از سازماندهی، افراد در سازمان حکم پیچ و مهره را بازی می‌کردند. و واژه‌های دموکراتیک، انتقاد، اعتماد برادرانه و رهبری جمعی مفهوم خارجی نداشت.

هم‌زمان با راه‌اندازی بخش‌های مختلف، سازمان دست به تشکیل یک نیروی شبه‌نظامی به نام «میلیشا» زد و با آموزش و گسترش آن‌ها نیروی نظامی خود را تقویت نمود و با سلاح‌های مختلفی که از غارت پادگان‌ها به دست آورده بود آن‌ها را تجهیز کرد.

جذب نیرو:

سازمان به دلیل از دست دادن نیروهایش قبل از انقلاب و برای ادامه حیات خود در صدد سامان بخشیدن به تشکیلات خود برآمد و با توجه به داشتن عنوان اسلامی و فعالیت‌های هدف‌دار برای

عضوگیری توانست در مقایسه با سایر گروه‌ها طیف وسیعی از جوانان اعم از دختر و پسر را جذب نماید. سازمان با استفاده از فضای آزاد پس از انقلاب توانست با کار تبلیغاتی وسیع در مجامع دانش‌آموزی، دانشجویی و در کارخانه‌ها و مؤسسات دیگر جوانانی را که مشتاق حرکات ماجراجویانه بودند جذب نماید (Bagherzadeh, 1993: 73).

تفاوت جذب نیروی سازمان با پیش از انقلاب این بود که در آن زمان سازمان بیشترین جذب را از دانشگاه‌ها داشت ولی بعد از انقلاب بیشترین جذب - به دلیل وجود ویژگی‌هایی همانند فقدان تحلیل سیاسی درست، شور و نشاط و انرژی سرشار و خاصیت رهبری پذیری مطلق - از میان دانش‌آموزان بود. وظیفه این نیروها فعالیت تبلیغی گوناگون از قبیل پخش اعلامیه‌ها، نصب پلاکارد، راه‌اندازی نمایشگاه، شعرنویسی، راه‌اندازی دکه، برگزاری میتینگ‌ها، انتشار نشریه، شرکت در تظاهرات، حفظ نظم این برنامه‌ها، ایجاد درگیری و تشنج، اعتراض به تصمیمات مقامات قانون‌گذار در مورد انتخابات، اعتراض به نتایج انتخابات‌ها، شرکت در اردوهای سازندگی که سازمان تدارک می‌دید و ... بود (Koushki, 2008: 43).

منابع مالی:

منابع مالی سازمان قبل از پیروزی انقلاب اسلامی:

۱- تأمین مالی تا سال ۱۳۵۴:

تأمین مالی سازمان از ابتدای تأسیس تا اعلام تغییر ایدئولوژی در سال ۵۴ از داخل کشور و به طرق گوناگون صورت می‌پذیرفت. یکی از مراکز که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تأمین مالی سازمان نقش اساسی ایفا کرده‌است، کمک‌های مادی بعضی از شخصیت‌های روحانی بود. در آن زمان شهرت مجاهدین به‌مثابه مبارزان مسلمان چنان گسترش یافته بود که همه جریان‌ها را تحت تحت‌الشعاع خود قرار داده بود. به‌همین جهت بسیاری از روحانیون و مبارزان مسلمان با طیب خاطر به آن‌ها کمک مالی می‌کردند.

از دیگر مراکز مهم قدرت مالی سازمان، در آن دوره بازاریان و دستجات دینی، سیاسی و اجتماعی بود. بازار از گذشته منبع قابل اطمینانی برای تأمین درآمدهای این گروه بوده‌است. سازمان به دلیل آنکه جمع‌کنندگی از خانواده‌های آن‌ها بازاری بودن از کمک‌های مالی فراوان بازاریان برخوردار بود (Nejati, 1993, vol. 1: 409 and 429).

۲- تامین مالی از طریق ایدئولوژی تا پیروزی انقلاب اسلامی:

پس از تغییر ایدئولوژی سازمان از اسلام به مارکسیسم، کمک‌های روحانیون و افراد مذهبی جامعه به سازمان قطع گردید. سازمان نیز معتقد بود که می‌توان از هر وسیله‌ای برای استیفای حقوق از دست‌رفته استفاده کرد حتی از سرقت و یا هر عمل دیگری که لازم باشد (Kazemi, 2000: 320-321). این هسته مذهبی وظیفه‌ی جذب کمک‌های مالی افراد مذهبی برای سازمان را عهده‌دار بود. رهبری:

رهبران اولیه‌ی سازمان شامل همان افرادی است که در سال‌های آغازین تأسیس و تشکیل سازمان، رهبری آن را به عهده داشتند. در دوران فعالیت این کادر، که از ۱۳۴۴ تا ۱۳۵۰ را دربرمی‌گیرد، ایدئولوژی سازمان مبتنی بر اسلام بود اما نه به صورت کامل آن؛ پس از دستگیری کادرهای اولیه در سال ۱۳۵۰، رهبری سازمان را افرادی به دست گرفتند که عمدتاً معتقد و آشنا به موازین و مبانی اسلامی بودند. در این زمان احمد رضایی به شدت به فعالیت پرداخت و کادرهای باقیمانده را سازمان داده و ارتباط‌های از هم گسیخته را پیوند داد و توانست پایه‌ریزی محکمی برای سازمان به وجود آورد که برخلاف پایه‌ریزی و برنامه‌ریزی کادر قبلی، سازمان را از ساواک محفوظ داشت.

پس از کشته شدن سه نفر از رهبران کادر دوم که افرادی مقبول‌تر و متدین‌تر بودند، رهبری سازمان به دست افرادی التقاطی و سرشار از عقاید مارکسیستی افتاد. این کادر شامل بهرام آرام، وحید افراخته و تقی شهرام می‌باشد.

در داخل زندان نیز، پس از اعدام تمامی اعضای کادر مرکزی ۱، رهبری به دست مسعود رجوی افتاد (Institute of Qadr-e Velayat, 2012: 41).

۱ - طبق برخی اسناد از جمله کتاب «سازمان مجاهدین خلق از پیدایی تا فرجام» اشاره به نامه‌ی ساواک به شاه مخلوع و درخواست تخفیف مجازات مسعود رجوی از اعدام به حبس طویل‌المدت به دلیل همکاری بی‌سابقه و تعیین‌کننده‌ی او در جریان شناسایی رهبران و مقرهای استقرار نیروهای سازمان از سوی ساواک، نموده است. همچنین بنا بر اظهارات برخی از سران جداشده‌ی سازمان از قبیل محمدرضا روحانی، رجوی تمایل انکارناپذیری برای کسب رهبری تمام‌عیار و بی‌رقیب سازمان داشته است و از این‌رو حذف برخی از سران سازمان به صورت مستقیم (بوژیه مهدی افتخاری) و غیرمستقیم (موسی خیابانی) در راستای تحقق این خواسته‌ی او تحلیل می‌گردد.

در ساختار تشکیلاتی سازمان پس از انقلاب، رجوی به عنوان رهبر و خط‌دهنده اصلی سازمان معرفی می‌شد. در سازماندهی جدید رجوی رهبر ایدئولوژیک سازمان معرفی و در نتیجه مرکزیت سازمان منحل شد. رجوی رهبر بلامنازع سازمان معرفی گردید و از همه مسئولیت‌ها، پاسخ‌گویی و انتقادپذیری مبرا اعلام شد (Rastgoo, 2005: 65-78).

ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق:

محور اصلی مطالعات ایدئولوژیک سازمان، در هر حال بر مطالعه مذهب، تاریخ و تئوری انقلاب، متمرکز بود. مطالعه قرآن، نهج البلاغه و تألیفات اساسی آیت‌الله سید محمود طالقانی، مهندس مهدی بازرگان و یدالله سبحانی. بخش دیگر مطالعه که به نسبت با دقت کمتر صورت می‌گرفت، ادبیات انقلاب‌های معاصر جهان به خصوص انقلاب شوروی، چین، کوبا، الجزایر و نیز رویدادهای بزرگ و حساس تاریخ ایران و به طور اخص انقلاب مشروطه (۱۲۸۸-۱۲۸۴)، قیام جنگل در گیلان (۱۳۰۰-۱۲۹۶)، مبارزات ملی کردن صنعت نفت (۱۳۳۲-۱۳۳۰) و همچنین انقلاب به اصطلاح سفید ۱۳۴۲ را در برمی‌گرفت (Abrahamian, n.d.: 111).

سازمان تصمیم گرفت که در کنار مواردی که گفته شد، مطالعات مارکسیستی را نیز آغاز کند. این تصمیم را حنیف‌نژاد می‌گیرد و با سعید محسن مطرح می‌کند. حنیف‌نژاد قبلاً با یک سری از این کتاب‌ها آشنایی داشته ولی با نظر منفی خواننده بود (Bāzargāni, 1398: 248). حنیف‌نژاد می‌خواست تلفیقی از اصول اعتقادی اسلام و مارکسیسم (به عنوان علم شناخت جامعه و مبارزه برای رفع تبعیض) درست کند. حنیف‌نژاد بر این باور بود که آموزش‌های مارکسیسم در رابطه با مبارزه طبقاتی و استثمار و مالکیت خصوصی و ارزش اضافه، با اسلام تناقضی ندارند و قابل حلند. (همان) همین تصور نه تنها سبب شد که حکومت شاه، عنوان «مارکسیست‌های اسلامی» را برای این گروه اطلاق کند.

تحلیل لایه‌های علی سازمان مجاهدین خلق:

- سطح علی لیتانی سازمان:

در سطح لیتانی از مجموعه‌ی لایه‌های تحلیل علی پیرامون سازمان مجاهدین خلق ایران، به

محورهای زیر می‌توان اشاره داشت:

- ✓ هدف اصلی فعالیت این گروه براندازی نظام جمهوری اسلامی ایران و استقرار حکومت جمهوری دموکراتیک ملی می‌باشد اعلام شده است؛
- ✓ گستره جغرافیایی و حوزه فعالیت این سازمان بدین نحو است که، در کشورهای ایران، آلبانی، فرانسه، آلمان، برخی کشورهای عربی (عربستان، امارات و عراق)، کشورهای حوزه اسکاندیناوی، آمریکا، کانادا و استرالیا به صورت مشخص فعالیت دارد. که این فعالیت به واسطه‌ی اماکن استقرار دائم نیروهای خود و همچنین فعالیت دفاتر شورای ملی مقاومت بعنوان بازوی سیاسی و اجرایی این سازمان می‌باشد؛
- ✓ این سازمان در حال حاضر جمعیتی قریب به ۲۷۰۰ تن از نیروهای خود را در مقری به وسعت ۲۵ هکتار در منطقه‌ی مانزا در حومه‌ی تیرانا (پایتخت آلبانی) مستقر نموده و در سایر کشورها نیز از حدود ۳۰۰۰ هوادار سازماندهی شده برخوردار است؛
- ✓ بیشتر تلاش سازمان برای ایفای نقش و تأثیرگذاری در سطح دولت‌ها و گروه‌های معارض با جمهوری اسلامی ایران برای ایجاد اجماعی فراگیر در مقابل این حکومت با غایت درگیر سازی سخت و نظامی دولت‌ها و ابرقدرت‌های جهانی با جمهوری اسلامی ایران است؛
- ✓ مسعود رجوی و مریم قجر عضدانلو (رجوی) بعنوان رهبران این سازمان طی دهه‌های پس از انقلاب تا کنون می‌باشند. همچنین افرادی چون مهدی ابریشمچی، ابوالقاسم رضایی، محمود عطایی، عباس داوری، سید محمد سید المحدثین و زهرا مریخی از عناصر شاخص و برجسته‌ی این سازمان در حال حاضر می‌باشند؛
- ✓ هم‌اکنون این سازمان از یک شبکه‌ی تلویزیونی ۲۴ ساعته‌ی ماهواره‌ای تحت عنوان "سیمای آزادی"، در کنار سایت‌هایی چون Mojahedin.org، شورای ملی مقاومت ایران، نشریه‌ی مجاهد، نشریه ایران لیبراسیون و گروه‌ها و کانال‌های متعددی در فضای مجازی برای پیشبرد اهداف و برنامه‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای خود استفاده می‌کند؛
- ✓ در خصوص امکانات نظامی (نیرو و تجهیزات نظامی) سازمان مجاهدین خلق باید چنین بیان داشت که در حال حاضر و با انتقال تمامی عناصر و نیروهای سازمان از عراق به آلبانی، مجاهدین فاقد هرگونه امکانات نظامی می‌باشند.

- سطح علی اجتماعی (سیستمی) سازمان مجاهدین خلق:

برای تبیین و واکاوی سطح سیستمی پس از تحلیل و بررسی محتوای رسانه‌ای، اظهارات مسئولین و مختصات فعالیت‌های مختلف این سازمان می‌توان به گزاره‌ها و مطالب ذیل اشاره نمود:

✓ در باب هدف اصلی سازمان مجاهدین خلق، باید بیان داشت که مشخصاً این سازمان قائل به براندازی خشونت‌بار جمهوری اسلامی ایران است. جدیدترین نسخه‌ی این سازمان برای تقابل با حاکمیت مستقر در ایران را می‌توان در قالب راهبرد کانون‌های شورشی ۱ مورد ارزیابی و بازشناسی قرار داد. این کانون‌ها که با جذب، پشتیبانی و هدایت عناصر سازمان از خارج از کشور ساماندهی می‌شوند در راستای تحقق هدف یادشده دست به اقدامات ایذایی و تروریستی گسترده در سراسر کشور زده و از این رهگذر در پی وارد آوردن لطماتی به ساختار امنیتی و حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران می‌باشند؛

✓ خط مشی و استراتژی‌های اصلی این سازمان در قالب دامن زدن و ایجاد بحران‌های داخلی و تشدید واگرایی کشورهای منطقه و نظام بین‌الملل با ایران می‌باشد؛

✓ این سازمان در راستای تحقق راهبردهای داخلی و خارجی خود در مسیر تعین بخشی به هدف اصلی‌اش رویکردی فراطبقاتی، فرامذهبی، فراجناحی، فرامرزی و ایدئولوژیک را اتخاذ نموده و در تلاش است تا از تمام ظرفیت‌های مذهبی که به نحوی قابل بهره‌برداری ایجابی (در راستای تقویت ایده‌ها و مواضع سازمان) و یا سلبی (که در تقابل با رویکردها و مواضع مذهبی جمهوری اسلامی ایران هستند) می‌باشند، نهایت استفاده را ببرد. این الگوی رفتاری در حوزه‌ی مذهب کاملاً در سایر عرصه‌های اقتصادی،

۱- راهبردی است که سازمان مجاهدین خلق برای بازسازی نقش‌آفرینی خود در داخل کشور از سال ۱۳۹۶ اجرایی نموده که بر اساس آن با جذب افراد مختلفی در داخل کشور اقدام به انجام فعالیت‌های تبلیغی، ایذایی و تروریستی با هدف مشغول‌سازی برای دستگاه‌های امنیتی، آغاز و شکل‌دهی به جریان نارضایتی‌ها و نمایش توان عملیاتی خود در داخل کشور، نموده است.

اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست محیطی، نظامی - امنیتی و ... قابل کاربست پذیری و تشخیص می‌باشد؛

✓ در جغرافیای مورد فعالیت سازمان مجاهدین خلق (که در سطح لیتانی بدان اشاره شد) بر اساس تحلیل فعالیت‌های گروه می‌توان بیان داشت که بیشترین فعالیت‌ها و برنامه‌های سازمان از جمله فعالیت‌های تبلیغاتی سازمان در فضای مجازی و نیز جذب، آموزش، هدایت و پشتیبانی از آنچه از سوی سازمان به عنوان استراتژی کانون‌های شورشی تعریف می‌گردد، در جغرافیای آلبانی سازمان‌دهی و اجرا می‌شود، جایی که تمرکز نیروها و ساختار تشکیلاتی را در ارتباط با سازمان شاهد می‌باشیم. توضیح بیشتر آنکه، از یک سو، با خواست و پیگیری همه‌جانبه‌ی رهبران سازمان برای استقرار یکپارچه و متمرکز نیروها در جغرافیای پسا عراق و از سوی دیگر، با عنایت به عدم پذیرش اعضای این سازمان از سوی تمامی کشورهای که توسط کمیساریای عالی پناهندگان و آمریکا در نظر گرفته شده بودند در نهایت آمریکا را بر آن داشت یا خود به میزبانی از این سازمان مبادرت ورزیده، و یا کشوری را وادار به پذیرش اعضای این سازمان نماید که در این بین آمریکا - بر اساس مصاحبه‌ی جان کری وزیر خارجه‌ی وقت آمریکا - با پرداخت ۲۵ میلیون دلار کمک بلاعوض (Basij News Agency, 25/11/1394) و همچنین قول افزایش کمک‌های نظامی آمریکا از آلبانی سبب شد تا این کشور نسبت به پذیرش اعضای سازمان به صورت کامل موافقت نماید. نکته‌ای که بیان آن خالی از لطف نیست آن است که، کشور آلبانی بعد از سقوط دیکتاتور کمونیست خود (انور خوجه) خود را به نحو همه‌جانبه‌ای در ذیل سیاست‌های آمریکا تعریف نموده و به لحاظ رویه‌های ساختاری، سیاسی، فرهنگی و امنیتی در وضعیت تبعیت و پیروی حداکثری از این کشور قرار دارد. لذا سازمان مجاهدین خلق با بهره‌گیری از ظرفیت لابی سیاسی قابل توجه خود در آمریکا توان تأثیرگذاری بر سیاستمداران آلبانی و به تبع آن منطقه‌الفراغ اقدامی و تشکیلاتی گسترده‌ای یافته است. بعد از آلبانی به ترتیب فرانسه، آلمان، آمریکا، انگلستان، ایتالیا، بلژیک اسپانیا، رومانی و کشورهای حوزه

اسکاندیناوی بعنوان مهمترین کانون‌های حضور و فعالیت عناصر این سازمان در اروپا قلمداد می‌شود؛

✓ در حوزه‌ی ساختار سازمان مجاهدین خلق اصلی‌ترین مسأله آن است که این سازمان علیرغم عدم حضور آشکار رجوی در تمامی عرصه‌ها و ساحات سازمان^۱، به شیوه‌ی رهبری شخصی و با هژمونی مسعود رجوی در همه‌ی ساحت‌های حیات سازمان اداره می‌شود. از سوی دیگر، ساختار سازمان از صورتبندی سلسله‌مراتبی، دستوری و متصلب تبعیت می‌کند. در این ساختار اگرچه در ظاهر هژمونی زنان در عرصه‌های مختلف ذیل رهبری سازمان حاکم می‌باشد، اما حسب اعترافات برخی از نفرات جدا شده از این سازمان، این امر ماهیتی نمادین داشته و در عمل نفرات قدیمی و باسابقه عنان امور را در دست دارند.

- سطح علی‌ایدئولوژیک سازمان مجاهدین خلق:

✓ سازمان مجاهدین خلق را می‌توان سازمانی نیمه‌مخفی با رویکردی سیاسی - نظامی دانست که به لحاظ ایدئولوژیک با ترکیب و التقاط آموزه‌های مختلف سعی در ارائه‌ی منظومه‌ی ایدئولوژیکی منسجم و پیش‌برنده در مسیر اهداف مبارزاتی خود - چه قبل از انقلاب ۵۷ علیه حکومت پهلوی و چه بعد از ورود به فاز مبارزه‌ی مسلحانه پس از ۳۰ خرداد ۱۳۶۰ علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران - داشته است؛

۱ - سازمان مجاهدین خلق از سال ۱۳۸۲ مدعی تداوم حضور و رهبری مسعود رجوی بر سازمان همچون گذشته، البته به صورت غیر آشکار بوده است. لذا سازمان از آن زمان تاکنون بر مبنای رهبری متمرکز مسعود رجوی هدایت می‌شود و برای رفع خلأ حضور رهبری آشکار سازمان، مریم قجر عضدانلو به عنوان مسئول اول سازمان و در مقام همدیفی با مسعود رجوی ایفاگر نقش رهبری نمادین سازمان را - بویژه در عرصه‌ی ارتباطات و جلسات برون‌سازمانی و با برد رسانه‌ای - بر عهده دارد. در بررسی دقیق‌تر باید بیان داشت که علی‌رغم غیبت فیزیکی مسعود رجوی، تاکنون اخبار متقنی مبنی بر مرگ مسعود رجوی منتشر نشده است. در عین حال، در راستای زنده بودن مسعود رجوی می‌توان به فایل صوتی او که بعد از شهادت سردار سلیمانی پخش گردید و در آن فایل صوتی به مسائل روز آن زمان اشاره می‌شود، استناد نمود.

✓ نکته‌ی بنیادین و حائز اهمیت اینکه؛ به لحاظ ایدئولوژیک سازمان همواره بر پایبندی و همراهی همه‌جانبه نسبت به ارزش‌های مسلط و فراگیر قدرت هژمون (تا قبل از فروپاشی شوروی و با در نظر گیری هژمون بودن آن گرایش به آموزه‌ها و مشی مارکسیستی، و بعد از فروپاشی شوروی با چرخشی تمام‌عیار، از مبارزه با امپریالیسم و اصلی‌ترین نماد آن یعنی آمریکا، ضمن اتخاذ مشی و پایبندی به هنجارهای بین‌المللی ذیل هژمونی آمریکا، به صورتی تمام‌عیار به سازمانی در خدمت منافع آمریکا و جبهه‌ی سلطه تبدیل گردید) و حرکت در مسیر منافع و خواست آن اقدام نموده و از این رو به مرور با عبور از التقاط دو گانه (اسلام / مارکسیسم) به التقاط سه گانه (اسلام / مارکسیسم / لیبرالیسم) متمایل شده است. مهم‌ترین دلیل این تغییر و تبدیل را می‌توان در تمایل حاد سازمان به بقاء ذیل مدیریت اقتضایی و معطوف به الزامات قدرت دانست؛

✓ طی جمع‌بندی رهبران سازمان آنها ضمن بررسی مبارزات مردم ایران از سال‌های قبل از کودتای ۱۳۳۲ تا قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲، به این نتیجه رسیدند که ادامه‌ی روند گذشته محکوم به شکست بوده و لازم است با بهره‌گیری از تجارب موفق انقلاب‌های روسیه، چین، کوبا و الجزایر یک سازمان منضبط و آهنین را با استفاده از جوانان مستعد مسلمان ایجاد نمایند تا در آینده بعنوان پیشقراول و رهبر مبارزات مردم ایران از بیشترین قابلیت نقش‌آفرینی برخوردار باشند؛

✓ ایدئولوژی سازمان مجاهدین خلق بشدت متأثر از تحولات بوده و بجای تقدم نظر بر عمل، عمل را بر نظر مرجح می‌داند؛ به نحوی که وقوع رویدادها و کنش‌ها و واکنش‌های این سازمان در ارتباط با جریان‌ها و مسائل مختلف سبب‌ساز تغییر آموزه‌های ایدئولوژیک در طول سالیان حیات این سازمان شده است؛ همچنین ایدئولوژی این سازمان، بویژه بعد از خروج آن از ایران و استقرار در عراق دچار شکافی از گذشته‌ی خود شده و از این زمان به بعد خصلتی وابسته و مشروط به خواست رهبری آن و پاره‌ای اقتضانات برآمده از تصمیمات رهبران سازمان پیدا نموده است. که این امر مؤلفه‌ای اساسی در تعیین و بازشناسی آینده‌ی سازمان مجاهدین خلق می‌باشد؛

✓ از سوی دیگر مشی و رویکرد برآمده از ایدئولوژی سازمان را می‌توان در قالب انگاره‌ی «شکاف‌زی بودن یا زیست در شکاف‌ها» تعبیر نمود و توضیح داد. بدین صورت که سازمان به جای تمرکز بر اهداف و ایده‌های مبنایی و حرکت در مسیر تحقق آن، مزیت و ضرورت حضور خود را در فضای شکاف‌های ایجادشده در سطح داخل کشور و همچنین شکاف‌های ایران با دیگر کشورها و در حوزه‌های مختلف دانسته و از این‌رو همواره در تلاش برای تقویت و بحران‌سازی این شکاف‌ها در ارتباط با امنیت ملی و منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد؛ به نحوی که نبود شکاف برای زیست سازمان تا حد زیادی آن را با بحران‌های درونی و مسائل اساسی موجودیتی و هویتی در سطوح مختلف مواجه می‌سازد.

- سطح علی‌ اسطوره و استعاره‌ی سازمان مجاهدین خلق:

✓ یکی از اسطوره‌ها و استعارات سازمان را می‌توان مبارزه‌ی بی‌پایان آن در مسیر رهایی خلق دانست. در این منظومه‌ی اسطوره‌شناختی، سازمان مجاهدین خلق عالی‌ترین و آرمانی‌ترین تجلی‌گروه مبارزان حامی خلق برای رهایی آنان می‌باشد. در این چارچوبه‌ی استعاری، گسترش و فراگیری فزاینده‌ی ظلم و ابعاد آن نسبت به خلق مطرح می‌شود که خود با بیداری و افشاگری سازمان تبدیل به آگاهی خلق از یک سو، و انسجام و یکدستی آنها در راستای تحقق هدف متعالی آن (شورش و انقلاب علیه تشکیلات ظالمانه و براندازی و نابودی آنها و بدست‌گیری حکومت توسط خلق) از سوی دیگر می‌گردد؛

✓ همچنین این سازمان دچار تلقی حق‌گرایی ناب و مطلق از تشکیلات خود است که بر این مبنای همواره با اتخاذ رویکرد خوداتکا و خود بسنده خود را بعنوان قافله سالار و نیروی بی‌مانند برای تغییر و نجات مظلومان تصور و ترسیم می‌کند. یکی از تبعات این امر در ارتباط با فعالیت‌های سازمان مجاهدین خلق را می‌توان به عدم پذیرش هرگونه ائتلاف و هم‌پیمانی راهبردی و آشکار(بدلیل تعارض با وجه اسطوره‌ای و آموزه‌های

برآمده از آن در سطح تشکیلات) با دیگر گروه‌های فعال علیه جمهوری اسلامی ایران دانست؛

✓ یکی دیگر از اسطوره‌هایی که می‌توان در سطح سازمان مجاهدین خلق مورد توجه و بازشناسی قرار داد، مقوله‌ی اسطوره‌گی رهبری مسعود رجوی و مریم قجر عضدانلو است. بدین وصف که رهبران فارغ از هرگونه پیرایه و ضعف و نقصانی به عنوان انسان‌هایی کامل نسبت به هدایت و راهبری سازمان و گذردهی آن از مراحل و گردنه‌های خطر خیز در مسیر حرکت سازمان به سوی اهداف اساسی خود اقدام می‌کنند؛ و از این جهت همه‌ی موجودیت‌های انسانی و غیر انسانی سازمان تحت مالکیت رهبران، -و البته ناگزیر از تبعیت بی‌چون و چرا و اولویت گونه‌ای از رهبران- می‌باشند. لذا سازمان بویژه بعد از تسلط رجوی بر آن به سمت گونه‌ای تقدس‌گرایی و خداگونگی برای آن و تسلط سویه‌های فزاینده‌ای از فرقه‌گرایی سوق پیدا نمود.

سناریوهای آینده سازمان مجاهدین خلق:

در ادامه پیشران‌ها و مؤلفه‌های مربوط به عدم قطعیت در مسیر پیش‌بینی آینده‌ی گروه‌ک تروریستی سازمان مجاهدین خلق احصاء شده در قالب جدول ذیل ارائه می‌گردد تا از این طریق بتوان به تدوین سناریوهای ممکن، محتمل و مطلوب اقدام نمود.

پیشران‌ها	عدم قطعیت‌ها
۱- وضعیت جذب نیروی انسانی سازمان	موفقیت در جذب نیروی انسانی جدید (جایگزینی نیرویی) ناکامی در جذب نیروی انسانی جدید
۲- وضعیت رهبری سازمان	تداوم سیطره‌ی رهبری مسعود رجوی بر سازمان (هرچند به صورت مخفی) فروپاشی سیطره‌ی رهبری مسعود رجوی بر سازمان مجاهدین و شکل‌گیری بحران رهبری در سازمان
۳- وضعیت حمایت سیاسی-امنیتی دولت‌های حامی سازمان	تداوم و افزایش حمایت‌ها از سازمان کاهش مؤثر یا قطع حمایت‌ها از سازمان
۴- وضعیت دولت و حکومت در جمهوری اسلامی ایران	تضعیف قدرت و عملکرد دولت و حکومت در ایران ارتقای قابل توجه قدرت و عملکرد دولت و حکومت در ایران

فروپاشی و سرنگونی نظام جمهوری اسلامی ایران	
ارتقای کمی و کیفی قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان به نحو قابل توجه	۵- وضعیت قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان در حوزه‌های مالی، تشکیلاتی، اطلاعاتی و جاسوسی.
نقصان و تضعیف جدی قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان در ابعاد مختلف	
هم‌گرایی و شکل‌گیری اتحاد عمل، میان گروه‌های اپوزیسیون و سازمان	۶- وضعیت سازمان در ارتباط با سایر گروه‌های اپوزیسیون
تقابل و درگیری آشتی‌ناپذیر میان گروه‌های اپوزیسیون با یکدیگر و با سازمان	
بازسازی تصویر مطلوب از ایدئولوژی و عملکرد سازمان و گذار از وجهه و کارنامه‌ی سیاه سازمان	۷- وضعیت وجهه‌ی سازمان در افکار عمومی
ناکامی در بازسازی تصویر مطلوب از ایدئولوژی و عملکرد سازمان و تداوم وجهه‌ی سیاه آن در افکار عمومی	

سناریوهای پیش رو:

با بهره‌گیری از جدول فوق، سناریوهای مختلف مترتب بر آینده‌شناسی سازمان مجاهدین خلق (گروهک منافقین) در قالب دو سناریوی ممکن که یکی از آن‌ها را می‌توان با توجه به انطباق با تجارب و یافته‌های علمی و همچنین میزان تحقق بیشتری که نسبت به دیگر سناریوی ممکن دارد بعنوان سناریوی باورپذیر بیان داشت.

از سوی دیگر، دو سناریوی محتمل و مطلوب نیز بخش پایانی سناریوهای آینده‌پژوهانه برای سازمان مجاهدین خلق را تشکیل می‌دهند که در ادامه به صورت مشروح به هر یک از آن‌ها اشاره می‌گردد.

سناریوهای ممکن:

- سناریوی ممکن‌ترین به مطلوب نظر سازمان: در این سناریو وضعیت جذب نیروی انسانی از سوی سازمان با موفقیت همراه بوده و بحران نیروی انسانی بواسطه‌ی ناکامی در

جذب عناصر جدید برطرف شده است. از سوی دیگر در مورد رهبری سازمان نیز با تداوم رهبری مسعود رجوی، وضعیت به شکل مطلوبی برای سازمان به پیش خواهد رفت. همچنین حمایت‌های سیاسی-امنیتی دولت‌های حامی سازمان و تقویت همه جانبه آن تداوم و افزایش خواهد یافت. از سویی دیگر نیز دولت و حکومت در جمهوری اسلامی ایران در وضعیت تضعیف همه جانبه و تمام عیار قرار داشته و حکومت در آستانه‌ی فروپاشی و سرنگونی قرار دارد. همچنین در پیشران قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان، شرایط به سمت ارتقای کمی و کیفی قابل توجه قابلیت‌های مالی، تشکیلاتی و اطلاعاتی سازمان پیش می‌رود. و نیز همگرایی و شکل‌گیری ائتلاف و اتحاد عمل میان سازمان با دیگر گروه‌های اپوزیسیون شکل گرفته، و در نهایت در این سناریو سازمان موفق به گذر از وجهه و کارنامه‌ی سیاه خود شده و به بازسازی تصویری مطلوب از ایدئولوژی و عملکردش در ارتباط با افکار عمومی داخلی و جهانی شده است.

در این سناریو که سناریوی مطلوب سازمان مجاهدین خلق و نامطلوب‌ترین سناریو از منظر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد، سازمان به هدف دیرینه‌ی خود نزدیک شده و به دور از مشکلات درون سازمانی و برون سازمانی تنها در پی پیمودن گام نهایی که همانا متقاعد نمودن مراجع و نهادهای رسمی بین‌المللی و همچنین سایر گروه‌های اپوزیسیون، برای سیطره بر قدرت و سربرآوردن بعنوان دولت جدید و یا رکن اصلی دولت جدید در ایران می‌باشد.

- سناریوی ممکن‌ترین به مطلوب نظر جمهوری اسلامی ایران: در این سناریو سازمان در مؤلفه‌ی جذب نیروی انسانی تا حد زیادی ناکام بوده و از این رو با معضلات متعددی در حوزه‌ی کادرهای سازمانی و تبعات مترتب بر آن مواجه می‌باشد. همچنین کماکان سیطره‌ی رهبری مسعود رجوی بر سازمان (هر چند به صورت مخفی) تداوم داشته و نقش آفرینی مریم قجر عضدانلو بعنوان رکن رهبری نمادین سازمان در عرصه‌های آشکار و برون‌سازمانی بصورت کانونی ادامه می‌یابد. از سوی دیگر در ارتباط با پیشران وضعیت دولت و حکومت در ایران، وضع موجود و ثبات نسبی عناصر قدرت آفرین

نظام جمهوری اسلامی ایران در عرصه‌های داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی تداوم یافته و اگرچه جمهوری اسلامی در عرصه‌های مختلف با تقابلات و محدودیت‌هایی مواجه است اما کماکان با بهره‌گیری از ظرفیت‌های مختلف حرکت رو به جلو و امیدوار کننده‌ای را دنبال می‌کند. از سوی دیگر، قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان جز در مواردی چون برخی حوزه‌های تشکیلاتی و مالی که با پاره‌ای از سختگیری‌های بین‌المللی و سخت‌گیری‌های سازمانی با نقصان‌ها و خلل‌هایی مواجه شده است، کماکان به نحو نسبتاً با ثباتی قابل احصاء می‌باشد. رکن دیگر این سناریو را می‌توان در ارتباط سازمان با سایر گروه‌های اپوزیسیون نظام جمهوری اسلامی ایران دید که در این مورد اگرچه وقوع درگیری‌های آشتی ناپذیر میان آنها دور از انتظار می‌نماید، اما وقوع رخداد‌های تقابلی و تقویت شکاف‌های مختلف ایدئولوژیک و تشکیلاتی میان سازمان با سایر گروه‌های اپوزیسیون به ویژه گروه‌های به اصطلاح سلطنت طلب به نحو محسوس و قابل توجهی مورد انتظار است. علاوه بر این، فشارهای دولت‌های حامی سازمان برای برقراری همگرایی با سایر گروه‌ها و ایجاد جبهه‌ای متحد از آنها علیه جمهوری اسلامی ایران به سرانجام مشخصی نرسیده و کماکان سازمان بر مزیت‌های منحصر به فرد خود برای جانشینی نظام سیاسی در ایران تأکید می‌نماید.

با توجه به عوارض و احتمالات مترتب بر پیش‌رئانها و عدم قطعیت‌ها، سناریوی دوم از سناریوهای ممکن گرچه در اصل زیرمجموعه‌ی سناریوهای ممکن می‌باشد، اما با توجه به امکان وقوع و تعارض با یافته‌ها دانش‌ها و تجارب بشری در این عرصه می‌توان آن را سناریوی باورپذیر دانست و بر این مبنا احتمال وقوع بیشتری نسبت به سناریوی ممکن نخست برای آن در نظر داشت. در این سناریو، شاهد وقوع تحولی بنیادین در هیچ یک از طرفین معادله‌ی امنیتی، یعنی جمهوری اسلامی ایران و سازمان مجاهدین خلق نبوده و خرده تحولات تعیین‌کنندگی بیشتری در آینده‌ی این سازمان خواهد داشت.

سناریوی محتمل:

در این سناریو، ناکامی سازمان در جذب نیروی انسانی مورد نیاز خود در راستای رفع خلاء سازمان در این عرصه ادامه داشته، و سیطره‌ی رهبری مسعود رجوی بر سازمان (هر چند به صورت

مخفی و غیر علنی) تداوم می‌یابد و از سوی دیگر، وضعیت حمایت‌های سیاسی - امنیتی دولت‌های حامی سازمان به نحو نسبتاً با ثباتی ادامه می‌یابد. علاوه بر این، قدرت و عملکرد دولت و حکومت در ایران، - که طبعاً فرصت‌های بیشتری را برای کنشگری گروه‌های مختلف اپوزیسیون از جمله سازمان مجاهدین خلق در عرصه‌های داخلی و بین‌المللی علیه جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌آورد - رو به ضعف می‌گذارد. همچنین قدرت تقابل تهاجمی و مؤثر نظام جمهوری اسلامی ایران برای مهار و محدودسازی گروه‌های اپوزیسیون از جمله سازمان مجاهدین خلق نیز با نقصان و کاستی نسبی همراه می‌گردد. در سطح قابلیت‌های ویژه سازمان مجاهدین خلق در حوزه‌های مالی، تشکیلاتی، اطلاعاتی و جاسوسی بعنوان نقاط قوت و ابزارهای اجرایی و تعیین‌کننده و تدام بخش حیات سازمان، وضعیت نسبتاً با ثبات ادامه یافته و این پیشران با ضعف یا ارتقای خاصی روبرو نمی‌گردد. رکن دیگر این سناریو را نیز می‌توان تداوم وضعیت همگرایی نسبی (توافق بر سر نفی و براندازی جمهوری اسلامی ایران) و نیز اتحاد عمل شکننده میان سازمان و سایر گروه‌های اپوزیسیون دانست که در اکثر موارد منتج به کنشگری متقاطع سازمان با سایر گروه‌ها با هدف تحقق ایده‌ی بنیادین "تنها آلترناتیو ممکن و مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران، سازمان مجاهدین خلق می‌باشد و دیگر گروه‌ها در این عرصه فاقد هرگونه نقطه‌ی اتکا و قابلیت تعیین‌کننده می‌باشند" می‌گردد. و در پاره‌ی معدودی از موارد و با لحاظ منفعت سازمان و نیز فشار حامیان برای اتحاد عمل مجاهدین با سایر گروه‌های اپوزیسیون نیز، همسویی نسبی سازمان با دیگر گروه‌ها در صحنه‌ی عمل، و مرزبندی مشخص در حوزه‌های ایدئولوژیک و تشکیلاتی و نمادین صورت می‌گیرد. و در نهایت در این سناریو، تصویر و کارنامه‌ی ایدئولوژیک و عملکردی سازمان برای بخشی از مخاطبان خود (افراد و اقشار مخالف و مخالف فعال علیه جمهوری اسلامی ایران) بازسازی نسبی می‌گردد. البته در این میان فعالیت‌های سازمان با رویکردهای تقابلی از جانب اکثر گروه‌های اپوزیسیون بویژه گروه‌های سلطنت‌طلب و حامیان جمهوری اسلامی ایران روبرو می‌شود.

در این سناریو از یک سو بروز و ظهور آسیب‌ها و کاستی‌های جدی اقتصادی (به‌ویژه در بخش اقتصاد خرد)، شرایط داخلی را جهت تقویت و تسریع روند فعالیت گروه‌ها و جریان‌های برانداز مانند سازمان مجاهدین مساعد می‌نماید، و از سوی دیگر بواسطه‌ی وجود ملاحظات سیاسی در

عرصه‌ی بین‌المللی هرگونه تقابل جدی با این سازمان در این عرصه با خدشه‌ی اساسی مواجه می‌گردد. در همین راستا، زمینه‌های نقش‌آفرینی حداکثری و بازسازی استراتژی‌های عملکردی سازمان که معطوف به حوزه داخل ایران بوده توسعه یافته، و مشخصاً سازمان به دنبال تأثیرگذاری، همراه سازی، و حتی در رویکردی تهاجمی، به دنبال جذب و به کارگیری افراد، اقدار و گروه‌های ناراضی جامعه و آسیب‌دیدگان اقتصادی می‌باشد؛ چرا که این دسته از افراد احساس ناکامی داشته و از انگیزه‌های انتقام‌جویانه در سطوح مختلف برخوردارند. همین امر، سبب ساز تأثیرگذاری سازمان بر مخاطبان داخلی و خارجی را بدین نحو فراهم می‌سازد که از یک سو در حوزه‌ی داخلی با قلب واقعیت‌های تاریخی و مصادره‌ی مطلوب واقعیت‌های موجود و ارائه‌ی تصویری منطبق بر ایدئولوژی و هدفگذاری سازمان از آینده و تحولات پیش رو، در ارتباط با مخاطبان داخلی مزبور (به ویژه نسل جوان که به لحاظ تاریخی فاقد هرگونه تجربه مستقیم از سازمان و عملکرد آن می‌باشد)، علاوه بر تلاش برای بازسازی تصویر نامطلوب و سیاه سازمان بر پایه‌ی اقداماتش در گذشته، در پی افزایش شکاف میان جامعه‌ی هدف خود با جمهوری اسلامی ایران (شامل سیاست‌ها، مسئولان، قانون اساسی و رهبری نظام) و سیاسی نمودن مطالبات و نارضایتی‌ها با هدف تعین بخشی آن در قالب اعتراضات و آشوب اجتماعی، و همچنین دست زدن به اقدامات متعدد و متنوع تبلیغاتی، ایدایی و تروریستی علیه نهادها، افراد و مسئولان مختلف در جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. در کنار همراهی تاکتیکی سازمان با سایر گروه‌های اپوزیسیون و تلاش برای ارتقای جایگاه خود در این عرصه، در بعد بین‌المللی نیز سازمان در پی کسب حمایت‌های بیشتر از سوی دولت‌های حامی خود برای ارتقای قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان و همچنین پیگیری اهداف براندازانه‌اش علیه جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

سناریوی مطلوب:

در این سناریو پیرامون وضعیت جذب نیروی انسانی سازمان مجاهدین خلق، سازمان با ناکامی تمام عیار در جذب نیروی انسانی مورد نیاز مواجه بوده و با مسائلی چون شکل‌گیری بحران کادر اجرایی در عرصه‌های مختلف برای سازمان، تهدید آینده‌ی این گروه‌ها که به لحاظ بالا بودن میانگین سنی اعضا، غیر قابل جبران بود فقدان نفرات به‌ویژه در عرصه‌های حساس و تعیین‌کننده‌ی ارتباطات سیاسی و امنیتی با کشورها، و همچنین مدیریت حوزه‌ی مالی و تجاری و نیز جاسوسی

تلفنی که به شدت متأثر از عملکرد و تجربه‌ی افراد است دست به گریبان است. همچنین در پیشران مربوط به رهبری سازمان، با توجه به این مهم که سازمان مجاهدین خلق با رهبری شخص رجوی ماهیتی فرقه‌گونه و بشدت متمرکز داشته، با فروپاشی سیطره‌ی رهبری وی، سازمان با بحرانی عمیق، فراگیر و فلج‌کننده احاطه شده و تمامی ارکان و عملکردهای سازمان با بحران هویتی مواجه می‌گردد. همچنین در این سناریو ارتقای قابل توجه مؤلفه‌های قدرت و عملکرد دولت و حکومت در ایران، کاهش نارضایتی‌ها، افزایش توان مدیریت داخلی و خارجی، کاهش چالش‌ها و تهدیدات و افزایش بهره‌گیری از فرصت‌ها و ارتقای دستاوردها در حوزه‌های مختلف را به دنبال دارد. همین امر سبب‌ساز ارتقای قدرت نرم و سخت جمهوری اسلامی و کاهش توان کنشگری گروه‌های اپوزیسیون - بویژه سازمان مجاهدین خلق - در مقابل جمهوری اسلامی ایران می‌گردد. پیشران دیگر مورد بحث در این سناریو وضعیت قابلیت‌های ویژه‌ی سازمان می‌باشد که در صورت وقوع نقصان و تضعیف جدی این قابلیت‌ها در عرصه‌های سازمانی، تشکیلاتی و اطلاعاتی، سازمان با چالش‌های درون سازمانی، افت حمایت‌ها و مقبولیت در افکار عمومی داخلی و بین‌المللی، و همچنین تنزل جایگاه منافقین در میان طیف گروه‌های اپوزیسیون جمهوری اسلامی ایران مواجه می‌گردد. در حوزه‌ی ارتباط سازمان با سایر گروه‌های اپوزیسیون نیز وضعیت شکل‌گیری تقابل و درگیری آشتی‌ناپذیر میان گروه‌های اپوزیسیون با سازمان مجاهدین متصور است. در پایان نیز ناکامی سازمان در بازسازی تصویر خود در حوزه‌های ایدئولوژیک و عملکردی برای افکار عمومی بویژه در عرصه‌ی داخلی ادامه داشته و کارنامه‌ی سیاه سازمان نزد افکار عمومی تقویت می‌گردد.

در نتیجه‌ی وقوع این سناریو که از منظر محیط امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران مطلوب می‌باشد، گروهک با هم‌آیندی بحران‌های متعدد هویتی، رهبری، کارکردی و مقبولیتی در سطح درون سازمانی و نیز افکار عمومی داخلی و بین‌المللی از یک سو، و موج گسترده‌ی تهدیدات مختلف از جمله ریزش و جداشدن نیروهای خود از تشکیلات و ... از سوی دیگر مواجه خواهد شد. همچنین نزول جایگاه سازمان و نیز حمایت دولت‌های حامی مجاهدین سبب به انزوا کشیده شدن این گروهک در طیف گروه‌های اپوزیسیون علیه جمهوری اسلامی ایران می‌گردد و با تهاجمات و افزایش درگیری‌های سایر گروه‌های اپوزیسیون با سازمان، ناکامی‌های دومینو وار و

بحران‌های فزاینده و مستمر در عرصه‌های مختلف سازمان به وقوع می‌پیوندد که در نهایت منجر به فروپاشی تشکیلاتی آن در آلبانی و همچنین دفاتر سیاسی این گروه در قالب شورای ملی مقاومت در کشورهای مختلف، و یا در خوشبینانه‌ترین حالت وقوع انشعاب سازمان حول برخی از نفرات شاخص و تأثیرگذار از قبیل مریم رجوی، مهدی ابریشم‌چی، سید محمد سیدالمحدثین و ... خواهد شد. نکته‌ی قابل توجه این است که یکی از کارکردها و فعالیت‌های سازمان که همواره مورد توجه و بهره‌برداری از سوی دولت‌های حامی گروهک در جهت اعمال فشار علیه جمهوری اسلامی ایران بوده است، فعالیت‌های جاسوسی و اطلاعاتی این سازمان می‌باشد که در قالب بخش یا ستاد اطلاعات متمرکز شده است؛ لذا به نظر می‌رسد تحت هر شرایط و در قالب هر سناریویی حتی سناریوی حاضر این کارکرد و حوزه فعالیت با حمایت سرویس‌های اطلاعاتی این دولت‌ها کماکان به فعالیت خود (البته به شکل و سازماندهی جدید) تحت مدیریت آن‌ها به فعالیت خود ادامه خواهد داد. به تعبیری دولت‌های متخاصم با جمهوری اسلامی ایران و حامی این سازمان، از این ابزار منحصر بفرد و بی‌بدیل به هیچ عنوان چشم‌پوشی نکرده و حتی در سناریوی فروپاشی سازمان نیز کارکردهای جاسوسی سازمان تداوم خواهد داشت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

گزاره‌های زیر به‌عنوان نتایج برآمده از پژوهش حاضر، می‌باشد که بدین قرار است:

- ✓ سازمان مجاهدین خلق، سازمانی خشونت‌گرا و تروریست است که علی‌رغم حکمرانی مدیریت اقتضائی و مشی شکاف‌زی بر آن، به غایت خود را با خواست و منافع قدرت هژمونیک نظام بین‌الملل (در حال حاضر آمریکا) هماهنگ ساخته و سعی بر آن دارد تا در راستای این هماهنگی و همراهی همه‌جانبه ضمن بهره‌گیری از فرصت‌ها و عواید مادی و حمایت‌های همه‌جانبه‌ی سیاسی - امنیتی، خود را در برابر تیغ تیز اقدامات تهاجمی جمهوری اسلامی ایران مصون و محفوظ نگاه دارد؛
- ✓ از مهمترین عواملی که سبب‌ساز تداوم حیات سازمان مجاهدین خلق طی سالیان متمادی - علی‌رغم فشارها و اقدامات مقابله‌ای همه‌جانبه‌ی جمهوری اسلامی ایران چه در زمان استقرار تشکیلات در عراق و چه پس از آن در آلبانی - شده است را به

ترتیب می‌توان در مواردی چون: حمایت سیاسی - اطلاعاتی، مالی، حقوقی و رسانه‌ای آمریکا، اروپا و رژیم صهیونیستی و برخی از کشورهای عربی حوزه خلیج فارس - بویژه عربستان سعودی و اردن - از سازمان مجاهدین خلق، ظرفیت منحصر بفرد عملکرد تشکیلاتی، اطلاعاتی و سرویس‌گونه‌ی سازمان مجاهدین خلق در تمامی حوزه‌ها، ظرفیت قابل اتکای مالی سازمان مجاهدین خلق که این سازمان را علی‌رغم حمایت‌های مالی برخی کشورها در موضعی نسبتاً مستقل و متکی به خود به‌ویژه در مواقع تعیین‌کننده و حساس قرار داده است، و همچنین کاستی‌ها و نقصان‌های معنادار دستگاه‌های امنیتی و مقابله‌ای علیه سازمان مجاهدین خلق در جمهوری اسلامی ایران، - بویژه در حوزه‌های شناختی و اشراف نسبت به دقایق مختلف عملکردی سازمان مجاهدین خلق - و به تبع آن انجام اقدامات بعضاً غیر مؤثر و ناکارآمد در ارتباط با آن دانست؛

✓ سازمان مجاهدین خلق بویژه در سالیان اخیر سرمایه‌گذاری و تمرکز ویژه‌ای بر امر تبلیغات و جنگ شناختی علیه جمهوری اسلامی ایران نموده است. بنحوی که یکی از پایه‌های قابلیت‌های تهاجمی این سازمان را بی‌شک باید در ظرفیت‌های رسانه‌ای و تبلیغاتی آن در فضای مجازی و تلویزیون‌های اینترنتی و شبکه‌های ماهواره‌ای دانست. این ظرفیت به‌گونه‌ای است که سازمان بر مبنای آن موفق شده است با بزرگنمایی اقدامات و ظرفیت‌های خود فاصله‌ی قابل توجهی میان توانمندی‌های واقعی و تبلیغاتی سازمان در اذهان مخاطبان داخلی و خارجی خود ایجاد نماید. شاید این جمله گزافه نباشد که سازمان مجاهدین خلق بر پایه‌ی همین بزرگنمایی از خود است که «کارزار آلترناتیو سازی از خود» را به عنوان «یگانه جایگزین ممکن و مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران»، بنحو جدی‌ای در اذهان و افکار جامعه‌ی هدف خود به پیش برده است؛

✓ مقوله‌ی رهبری در سازمان مجاهدین خلق از ابتدا امری ویژه و درخور توجه بوده است؛ لیکن بعد از آغاز رهبری مسعود رجوی بصورت مسلط و بلامعارض در

سازمان مجاهدین خلق، شاهد تغییراتی شگرف، رمزآلود و معطوف به کیش شخصیت می‌باشیم. بر این اساس، رهبری مسعود رجوی بر سازمان امری مقدس و الوهیتی جلوه کرده و تمامی ارکان و اعضای سازمان، در هر صورت خود را مکلف به تبعیت از تمامی فرامین رهبری رجوی بدون هرگونه تفکری می‌دانند. این امر تا بدان جا پیش رفته که حتی با طرح رهبری غیر آشکار مسعود رجوی - به دلایلی چون عدم استحقاق نیروها برای درک او (برگرفته از ایده‌ی غیبت امام دوازدهم در تشیع) تا زمان تحقق کامل فرامین رهبری و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران -، مسأله‌ی خاص و حادی در حوزه‌ی کارکردی و تشکیلاتی سازمان بروز نیافته است. به تعبیر ساده‌تر، جدا از فرض زنده یا مرده بودن شخص مسعود رجوی، به صرف ادعای سران سازمان و پخش پیام‌های کتبی و صوتی منتسب به او، اعضای سازمان معتقد به رهبری رجوی بر سازمان و لزوم تبعیت از فرامین او هستند و در دوران پنهان بودگی رهبری سازمان هیچ شکاف کارکردی خاصی در سازمان بروز نیافته است.

توصیه‌های سیاستی و ملاحظات تجویزی برآمده از سناریوهای آینده‌پژوهانه در ارتباط با سازمان مجاهدین خلق:

✓ در ارتباط با سناریوهای ممکن، تأثیرگذاری بر پیشرانهای مقوم سازمان - بویژه در عرصه‌ی حمایت‌های سیاسی - امنیتی دولت‌های حامی سازمان و همچنین ایجاد نقصان در قابلیت‌های ویژه‌ی مالی، تشکیلاتی و اطلاعاتی مجاهدین خلق - قابلیت تعیین‌کننده‌ای در اثربخشی و کارآمدی سازمان از یک سو و نیز ساخت آینده‌ی سازمان (به شکل مطلوب نظر جمهوری اسلامی ایران) از سوی دیگر را فراهم خواهد نمود؛

✓ تمرکز بر مقابله با ظرفیت‌های تبلیغاتی و رسانه‌ای سازمان مجاهدین خلق (البته به نحو مؤثر، تهاجمی و مستمر)، تأثیر زیادی بر ایجاد اختلال در کارکردهای سازمان در عرصه‌های مختلف خواهد داشت؛

- ✓ درگیرسازی سازمان با سایر گروه‌های اپوزیسیون - بویژه سلطنت‌طلبان -، سبب مشغول‌سازی، تحلیل قوای گروه‌های مزبور، و همچنین انحراف آن‌ها از تمرکز بر جمهوری اسلامی ایران خواهد شد؛
- ✓ ایجاد کارزارها و طرح دعاوی حقوقی در مراجع داخلی و بین‌المللی علاوه بر مشغول‌سازی سازمان و کمک به بازشناسی خیانت‌ها و جنایت‌های پرشمار آن - بویژه برای نسل جوان - قابلیت اخذ محکومیت و افزایش هزینه‌های مادی و معنوی برای سازمان را دارا می‌باشد؛
- ✓ توجه به برنامه‌ریزی سازمان مجاهدین خلق نمایان‌گر آن است که، این سازمان از دیرباز تا کنون بر وجه جاسوسی اطلاعات و تأثیرگذاری بر نظام تصمیم‌گیری و تغییر اولویت‌های آن تأکید داشته است. لذا شایسته است با تدبیر و طراحی نظام صیانتی و پیشگیری در مقابل فرایندهای جمع‌آوری اطلاعات و تأثیرگذاری از طریق ابزارهایی چون ارتباطات تلفنی و فعالیت در فضای مجازی و ... اقدامات مقابله‌ای لازم صورت گیرد.

تضاد منافع

تعارض منافع ندارم.

References

- Abrahamian, Yervan. (n.d). Radical Islam of the Iranian Mojahedin, translated by Farhad Mahdavi. Bija: electronic version.(In Persian)
- Bagherzadeh, Tahereh. (1993). Power and Nothing Else: Twenty Years with the Mojahedin-e Khalq Organization. Tehran: Information.(In Persian)
- Bazargani, Bahman. (2019). Reclaimed Time. Political Memoirs of Bahman Bazargan, Interviewed by Amir Houshang Eftekhari Rad. Third Edition. Tehran: Akhtaran Publishing.(In Persian)
- Enayatollah, Soheil. (2009). Layered Analysis of Causes, Theory and Case Study of an Integrated and Transformative Methodology of Futures Studies (Collection of Articles). Translated by Masoud Monzavi, Tehran: Center for Futures Studies of Defense Science and Technology, Educational and Research Institute.(In Persian)

- Fawzi, Yahya. (2007). Strategy and Performance of the Mojahedin-e Khalq Organization in Dealing with the Islamic Republic. *Matin Journal*, Volume 9, No. 35-34: 89-112. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.24236462.1386.9.3435.5.9>. (In Persian)
- Hejazi, Saeed. (2008). *Fuzzy Multi-Criteria Decision Making*. Tehran: Iranian Futures Research Center. (In Persian)
- Hosseini Moghadam, Mohammad. (2011). Application of Futures Studies in Political Science with Reliance on the Method of Layer-by-Layer Analysis of Causes. *Journal of Political and International Approaches*, Issue 23: 169-188. (In Persian)
- Inayatullah, S. (2007). *Questioning The Future*, Tamkang University Press.
- Inayatullah, Sohail. (2004). *Causal Layered Analysis: Post-Structuralism as Method*. Available at WWW.METAFUTURE.ORG.
- Kazemi, Mohsen. (n.d), *Memoirs of Ahmad Ahmad*, Tehran: Sooreh Mehr Publications. (In Persian)
- Khazab, Vahid, (2018), *A Review of the History and Thoughts of the People's Mojahedin Organization (Collection of What Has Passed, Volume 1)*, Tehran: Sooreh Mehr Publications. (In Persian)
- Khosravi, Meysam and Tahereh Mir-Emadi. (2019). Future Layers and the Problem of Formulating Human Actions: A Study of the Epistemological Foundations of the Causal Layer Analysis Method. *Iranian Future Studies Bi-Quarterly*, Year 4, Issue 1, Spring and Summer: 101-116. <https://doi.org/10.30479/jfs.2019.5969.1016>. (In Persian)
- Koushki, Mohammad Sadeq. (2008). *The Lineage of Terror*. Tehran: Islamic Revolution Documents Center. (In Persian)
- Malekifar, Aqil and Seyyed Kamal Tabatabaian. (2006). *Alphabets of Future Research*. Tehran: Karaneh elm. (In Persian)
- McLean, Ian. (2016). *Oxford Dictionary of Political Science*. translated by Hamid Ahmadi. Tehran: Mizan Publishing House. (In Persian)
- Mobini, Zahra and Ali Omid. (2021). *Future Studies of Terrorism (An Analysis of the Roots, Consequences and Future Trends of Terrorism)*. Tehran: Imam Hussein (AS) Comprehensive University. (In Persian)
- Mohammad Hosseini, Masoud. (2023). *Subversive Groups and Currents (1)*. 2nd edition. Tehran: Imam Hussein Guards Officer and Training University (peace be upon him). (In Persian)
- Nazari, Ali Ashraf and Reza Nazarpour. (2024). Analysis of the Antagonistic Confrontation between the Mojahedin-e Khalq Organization and the Islamic Republic of Iran. *Matin Journal*, Volume 26, Issue 103: 170-141. <https://www.doi.org/10.22034/matin.2023.379702.2132>. (In Persian)
- Nejati, Gholamreza. (1993). *Twenty-Five-Year Political History of Iran*. Tehran: Rasa Cultural Services Institute. (In Persian)
- Nikonahad, Ayub and Mohsen Buyuk. (2023). Future Research of Emerging Foreign Policy Threats in the Middle East and Their Impact on the National Security of the Islamic Republic of Iran, *Security Horizons Scientific Journal*, Year 16, Issue 57: 51-82. DOR: 20.1001.1.25381857.1402.16.58.2.2. (In Persian)
- Puglisi, M. (2001). *The study of the futures: an overview of futures studies methodologies*. Interdependency between agriculture and urbanization: conflicts on

- sustainable use of soil water. Bari: CIHEAM. Options Méditerranéennes, Série A. Séminaires Méditerranéens, (44), 439-463. <http://om.ciheam.org/article.php?IDPDF=2001611>.
- Qadr-e-Velayat Cultural and Artistic Institute. (2012). Islamic Revolution, Parties and Groups: Mojahedin-e Khalq Organization (Hypocrites), Tehran: Qadr-e-Velayat Cultural and Artistic Institute.(In Persian)
 - Qadr-e-Velayat Cultural and Artistic Institute. (2012). Mojahedin-e Khalq Organization (Hypocrites). 1st edition. Tehran: Qadr-e-Velayat Cultural and Artistic Institute.(In Persian)
 - Rastago, Ali Akbar. (2005). Mojahedin-e Khalq in the Mirror of History. Tehran: Islamic Revolution Documents Center.(In Persian)
 - Rozi Talab, Mohammad Hassan and Mohammad Mahboubi. (2018). Engineering Operations. Tehran: Islamic Revolution Documents Center.(In Persian)
 - Seyed Ismaili, Seyed Hojjat. (2019). God Almighty from the emergence to the fall (a documented and historical look at the sectarian trend in the Mojahedin-e Khalq Organization). Tehran: Islamic Revolution Documents Center.(In Persian)
 - Tabranian, Safa'eddin. (2014). Sleepwalkers: The Relationship of the Leaders of the "Mojahedin-e Khalq Organization" with the Intelligence and Military Institutions of Iraq, 1979-2002. Tehran: Islamic Revolution Documents Center.(In Persian)
 - Tavakoli, Saeed. (2012). Terrorism Strategies. Security Horizons Scientific Journal, Year 5, Issue 16: 77-104.(In Persian)
 - Writers' Group. (2023). The Mojahedin-e Khalq Organization: Origin to End (1344-1384). Tehran: Institute for Political Studies and Research.(In Persian)
 - Hajiani, Ebrahim, Mohsen Karimi Shiroodi. (2014). Counter-Terrorism Strategies in Iran: A Cultural Approach. Quarterly Journal of Security Horizons, Year 7, Issue 23, 37-66. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25381857.1393.7.23.2.9>. (In Persian)
 - Basij News Agency, 11/25/2015. Available at: <https://basijnews.ir/00aF05>. (In Persian)
 - Alef analytical News Society, 27/07/2022. Available at: <https://www.alef.ir/news/4010505010.html>(In Persian)

